



HomePage: https://jfiqh.um.ac.ir/	Vol. 55, No. 2: Issue 133, Summer 2023, p.71-93
Online ISSN: 2538-3892	Print ISSN: 2008-9139
Receive Date: 07-07-2021	Revise Date: 03-12-2021
DOI: https://doi.org/10.22067/jfiqh.2022.71233.1140	Accept Date: 28-02-2022
	Article type: Original

Feasibility of Criminalizing Rishā' (Bribery) and Irtishā' (Corruption) in the Private Sector, Based on the Principles of Imāmī Jurisprudence

Dr. Mojtaba Javidi



Assistant Professor of Shiraz University, (Corresponding author)

Email: dr-mojtabajavidi@shirazu.ac.ir

Dr. Morteza Rahimi, Associate Professor of Shiraz University

Somayyeh Soleimani, PhD student in criminal law and criminology at Shiraz University

Abstract

In the criminal laws of Iran, the realization of Rishā' (bribery) and Irtishā' (corruption) crimes is accepted in the public sector, but in the private sector, it is not considered criminal. Imāmī jurisprudence does not directly mention the possibility of bribery and corruption in the private sector, but it seems that it is possible to infer the prohibition of bribery and corruption in the private sector by considering the literal meaning of bribery, the application of verses and traditions, as well as the implication of reason and consensus, and then seek to criminalize bribery and corruption in the private sector.

Considering the expansion of the process of privatization and the reduction of government employment, it does not seem logical to separate the private sector from the public sector regarding the crimes of bribery and corruption. In this essay, the criminalization of bribery and corruption in the private sector has been investigated by using a descriptive-analytical method. It is concluded that the criminalization of this act has the support of verbal evidence and is in accordance with the rule of reason and the needs of the Islamic society, and it is necessary for us to move in the direction of criminalizing it in the Penal Code.

Key words: bribery, bribing, corruption, criminality, private sector, public sector





HomePage: https://jfiqh.um.ac.ir/	سال ۵۵ - شماره ۲ - شماره پیاپی ۱۳۳ - تابستان ۱۴۰۲، ص ۷۱ - ۹۳	
شاپا الکترونیکی ۲۵۳۸-۳۸۹۲	شاپا چاپی ۲۰۰۸-۹۱۳۹	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۹	تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۹/۱۲	تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۱۶
DOI: https://doi.org/10.22067/jfiqh.2022.71233.1140	نوع مقاله: پژوهشی	

امکان سنجی جرم انگاری رشا و ارتشا در بخش خصوصی مبتنی بر مبانی فقه امامیه

دکتر مجتبی جاویدی (نویسنده مسئول)

دانشیار دانشگاه شیراز

Email: dr-mojtabajavidi@shirazu.ac.ir

دکتر مرتضی رحیمی

دانشیار دانشگاه شیراز

سمیه سلیمانی

دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه شیراز

چکیده

در قوانین کیفری ایران تحقق جرائم رشا و ارتشا، در بخش دولتی پذیرفته شده ولی در بخش خصوصی فاقد وصف مجرمانه است. در فقه امامیه نیز به روشنی به امکان صدق رشا و ارتشا در بخش خصوصی اشاره‌ای نشده است، اما به نظر می‌رسد که می‌توان با توجه به معنای لغوی رشوه، اطلاق آیات و روایات و همچنین دلالت عقل و اجماع، حرمت رشا و ارتشا را در بخش خصوصی نیز استنباط کرد و آنگاه در پی جرم‌انگاری رشا و ارتشا در بخش خصوصی بود، به خصوص آنکه با توجه به گسترش روند خصوصی‌سازی و کاهش تصدی‌گری دولت، تفکیک بخش خصوصی از بخش دولتی در جرائم رشا و ارتشا منطقی به نظر نمی‌رسد. در این جستار با به‌کارگیری روش توصیفی-تحلیلی جرم‌انگاری رشا و ارتشا در بخش خصوصی مورد بررسی واقع شده است. حاصل پژوهش اینکه جرم‌انگاری این عمل از پشتوانه دلیل لفظی برخوردار و بر حکم عقل و ضروریات جامعه اسلامی نیز منطبق است و حرکت در مسیر جرم‌انگاری آن در قانون تعزیرات ضروری می‌نماید.

واژگان کلیدی: رشوه، رشا، ارتشا، جرم‌انگاری، بخش خصوصی، بخش عمومی.

مقدمه

رشوه یکی از شاخص‌ترین فسادهای مالی و اداری است که نظام اقتصادی و اداری کشور را با اختلال روبه‌رو می‌سازد و مانع از رسیدن آن به اهداف مدنظر خود می‌شود. اهمیت ارتشا در میان جرائم مالی و اداری تا حدی است که گاه واژه فساد مالی و اداری را مترادف با ارتشا به کار می‌برند. قبح رشوه امری ذاتی و فرادینی است. علاوه بر این، ارتشا در اکثر ادیان الهی گناه و مستحق مجازات دانسته شده است. در ملل مختلف نیز جرم تلقی شده و مجازات‌های سنگینی برای آن تعیین شده است.^۱

ادله قطعی از کتاب، سنت، اجماع و عقل، بر حرمت رشوه دلالت دارند.^۲ مال حاصل از رشوه، نوعی مال حرام به شمار می‌آید. در روایات به پرهیز از خوردن مال حرام توصیه شده و از عذاب اخروی آن سخن به میان آمده است.^۳ امام کاظم (ع) فرموده‌اند: «پول حرام رشد نمی‌کند و اگر رشد کند، مبارک نیست. اگر آن را انفاق کند، اجر و پاداشی ندارد و اگر برای وارثان بر جای گذارد، وسیله ورود به دوزخ است.»^۴ اما در مقابل کسب و کار حلال سبب گشوده شدن درهای بهشت،^۵ نورانیت قلب^۶ و استجابت دعا^۷ دانسته شده است. شیخ طوسی اولین فقیهی است که صریحاً و به‌طور گسترده درباره رشوه و موضوعات مرتبط با آن سخن گفته است.^۸ فقهای پس از شیخ طوسی، مانند ابن‌ادریس حلی^۹ مباحث شیخ را بررسی و نقد کرده‌اند.

در خصوص جرم‌انگاری رشا و ارتشا در بخش خصوصی دو رویکرد مختلف را می‌توان متصور بود: ۱. رشا و ارتشا را در بخش خصوصی قابل جرم‌انگاری نمی‌داند. مبنای این رویکرد آن است که در فقه امامیه بیشتر فقها صدق عنوان رشوه را تنها در باب قضاوت پذیرفته‌اند و به‌صورت صریح در خصوص امکان صدق رشوه در بخش خصوصی و حرمت آن سخنی نگفته‌اند؛^۲ رشا و ارتشا در بخش خصوصی را نیز قابل جرم‌انگاری می‌داند. طرفداران این رویکرد معتقدند احکامی چون انحصار پرداخت رشوه به پرداخت در مقام حکم، تأثیرپذیری حقوق داخلی از الزامات ناشی از الحاق به کنوانسیون مریدا را می‌تواند با چالش

۱. هرودت، تاریخ هرودت، ۳۶۵.

۲. حسینی عاملی، مفتاح الکرامة فی شرح قواعد العلامة، ۳۳/۱۰؛ طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۲/۱۳.

۳. نوری، مستدرک الوسائل، ۲۰۸/۱۶.

۴. کلینی، الکافی، ۱۲۵/۵.

۵. مجلسی، بحارالانوار، ۲۰۱/۱۰۰.

۶. ابن‌ادریس، السرائر، ۱۵۳.

۷. مجلسی، بحارالانوار، ۳۷۳/۹۰.

۸. طوسی، المبسوط، ۱۰۳/۸.

۹. ابن‌ادریس، السرائر، ۱۶۵/۲.

مواجه سازد.^۱ یکی از این الزامات، جرم‌انگاری رشا و ارتشا در بخش خصوصی است؛ توضیح آنکه، بیشتر فقها گرایش به این داشته‌اند که حرمت رشوه منحصر به باب قضاست. با پذیرش این امر به صورت طبیعی ارتشا در بخش خصوصی چون که مربوط به غیرقضاوت است، مشمول حکم حرمت رشوه نمی‌شود و باید حکم آن را تحت عناوین دیگری بررسی کرد.

رویکرد حقوق ایران است که براساس آن برای حفظ اعتماد عمومی راجع به خدمات اداری و رعایت سلامت در ارائه این خدمات، ارتشا را نوعی فساد اداری و جرم دانسته و تعمیم رشوه به غیرقضا را پذیرفته است؛ باین وجود، رشوه را به بخش دولتی محدود دانسته است.

حال سؤال آن است که آیا براساس فقه امامیه، رشا و ارتشا در بخش خصوصی، حرام و به تبع قابل جرم‌انگاری توسط حاکم اسلامی نیست؟ به نظر می‌رسد مراجعه مجدد به مبانی و ادله فقه امامیه ما را به نتیجه دیگری غیر از رویکرد اول مذکور رهنمون می‌شود. نتیجه‌ای که گویای حرمت ارتشا در بخش خصوصی و امکان استفاده از مجازات تعزیر در خصوص آن است؛ از این رو، این نوشتار می‌تواند مبانی فقهی جرم‌انگاری رشا و ارتشا در بخش خصوصی و ورود آن در حیطه جرائم تعزیری را فراهم کند. اهمیت پرداختن به این موضوع خصوصاً از آن روست که در حقوق بین‌الملل، کنوانسیون جهانی مبارزه با فساد (مریدا)، رشا و ارتشا در بخش خصوصی را جرم دانسته است. با توجه به اینکه ایران در سال ۱۳۸۷ به این کنوانسیون ملحق شده است طبیعی است که باید موارد جرم‌انگاری شده در این قانون را وارد قوانین کیفری خود کند.

در خصوص موضوع رشا و ارتشا و همچنین انحصار آن به باب قضا یا تسری آن به غیرقضا، پژوهش‌هایی صورت گرفته است. اما پژوهش‌های بسیار معدودی به صورت خاص به موضوع رشا و ارتشا در بخش خصوصی پرداخته‌اند. مقاله «ارتشا از نظر قوانین ایران، با تأکید بر مبارزه با رشوه‌خواری کارکنان بخش خصوصی»، دکتر حسین میرمحمدصادقی و پایان‌نامه کارشناسی ارشد «ارتشا در بخش خصوصی»، نوشته قدرت‌الله فلاح^۲ را می‌توان از مهم‌ترین کارهای انجام‌شده در این خصوص نام برد. اما در بیشتر این پژوهش‌ها به ارتشا در بخش خصوصی فقط از منظر حقوقی توجه شده است و بررسی فقهی این موضوع چندان مدنظر نبوده است. این نوشتار به صورت مستقل و با نگاهی اجتهادی به بررسی رشا و ارتشا در بخش خصوصی از زاویه فقه امامیه می‌پردازد و حکم آن را در ادله فقه امامیه، یعنی آیات، روایات، عقل و اجماع جست‌وجو می‌کند.

۱. آقابابائی بنی، «الحاق ایران به کنوانسیون مبارزه با فساد در زمینه رشا و ارتشا در تعامل با فقه»، ۹۳.

۲. نوفلاح، ارتشا در بخش خصوصی.

ممکن است این شبهه مطرح شود که لازم نیست برای جرم‌انگاری امری، حرمت آن در فقه امامیه ثابت شود، بلکه باید توجیهات لازم از بُعد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، بین‌المللی و حوزه‌های دیگر وجود داشته باشد و صرف عدم مخالفت آن با فقه امامیه در این خصوص کافی است. در پاسخ باید گفت: براساس اصل چهار قانون اساسی، تمامی قوانین و مقررات در کشور ایران باید مبتنی بر مبانی اسلامی باشند. رشا و ارتشا براساس قوانین اسلامی جزء تعزیرات به شمار می‌رود و مبنای تعزیر در فقه امامیه قاعده «التعزیر لکل عمل حرام» است و بر این اساس، شرط اساسی تعزیر یک فعل آن است که اصل حرمت آن اثبات شود؛ برای مثال، شیخ طوسی بیان می‌کند: «هرکس معصیتی مرتکب شود که حدی برای آن معصیت تعیین نشده باشد، تعزیر می‌شود.»^۱ بنابراین، برای جرم‌انگاری یک فعل، اصل معصیت و حرمت آن در ابتدا باید ثابت شود؛ به همین دلیل است که در این مقاله برای اثبات امکان‌سنجی جرم‌انگاری رشا و ارتشا در بخش خصوصی به مطالب مرتبط با حرمت این فعل در فقه امامیه استناد شده است. علاوه بر این، درست است که در جرم‌انگاری یک فعل، ابعاد اجتماعی، اقتصادی و... را نیز می‌توان در نظر گرفت و حکومت رأساً و بدون وجود هیچ‌گونه حرمتی می‌تواند آن عمل را ممنوع اعلام کند، اما این در صورتی است که به حکمی ثانوی وجود چنین مصلحتی در جامعه اثبات شود تا حکومت بتواند مجوز ورود در حیطه مباحات، به فرض عدم حرمت و مباح بودن آن عمل را داشته باشد. سخن این است که براساس مبانی فقهی و به حکم اولی، امکان جرم‌انگاری و تعزیر رشا و ارتشا در بخش خصوصی وجود دارد و نیازی به رجوع به عناوین ثانوی و احراز مصلحت در این خصوص نیست.

۱. مفهوم رشوه، رشا و ارتشا

واژه رشوه از ماده رشا (با الف ممدوده و به کسر راء) گرفته شده است و علمای لغت قرائت حرف «راء رشوه» را با سه صورت مضموم، مفتوح و مکسور جایز شمرده‌اند.^۲ رشوه در لغت به معنای ریسمان دلو آمده است؛^۳ زیرا همان‌گونه که به وسیله ریسمان از چاه آب بیرون آورده می‌شود، با کمک رشوه برای رسیدن به خواسته‌ها چاره‌جویی می‌شود؛^۴ براین اساس در آیه «تَدُلُّوْا بِهَا اِلَى الْحُكَّامِ»^۵ از رشوه به ادلاء (دلوآنداختن در چاه) یاد شده است.

۱. طوسی، المبسوط، ۶۹/۸.

۲. صفی‌پور، منتهی‌الآرب فی لغة العرب، ۴۵۱.

۳. شرتونی، اقرب‌الموارد، ۴۰۷/۱.

۴. ابن‌اثیر، النهایة فی غریب‌الحديث و الاثر، ۲۲۶/۲.

۵. بقره: ۱۸۸.

ابن سیده از لغت‌شناسان سده پنجم هجری در تعریف رشوه گفته است: «رشوه به ضم و فتح را، آن است که چیزی را به سبب فریب و به منظور رسیدن به خواسته‌ای به دیگری بدهند.»^۱ ابن‌منظور نیز گفته است: «راشی (رشوه‌دهنده) فردی را گویند که چیزی را به کسی می‌دهد تا او را برای رسیدن کار باطلی یاری رساند.»^۲

در اصطلاح فقهی بیشتر فقها رشوه را به باب فضا منحصر دانسته‌اند، اما برخی از ایشان با استناد به قاعده «حرمت اکل مال به باطل» و مانند آن، حرمت رشوه در دیگر ابواب را نتیجه گرفته‌اند. از این زاویه، رشوه تنها به مالی که برای رسیدن به هدف به قاضی پرداخت می‌شود اطلاق می‌شود؛ برای مثال، شیخ انصاری پرداخت رشوه به غیرقاضی را از باب صدق عنوان رشوه شرعی نمی‌داند.^۳ اما در برخی از تعبیر فقها، واژه رشوه به صورت مطلق به کار رفته است. در همین چهارچوب، برخی رشوه را «مالی که در ازای جلب منفعت یا دفع ضرر به کسی داده می‌شود»^۴ و «آنچه که به قاضی، والی یا کارگزار حکومت در ازای عملی داده می‌شود که بر او واجب است؛ مال باشد یا غیرمال»^۵ دانسته‌اند.

قانون‌گذار ایران صراحتاً تعریفی از رشا و ارتشا ارائه نکرده است، اما با توجه به مجموعه مواد قانونی مرتبط می‌توان رشا یا رشوه‌دادن را به «دادن وجه، مال یا سند تسلیم وجه به مأموران دولت یا کارکنان شاغل در نهادهای عمومی و سایر افراد مذکور در قانون یا انجام معامله با بهای غیرواقعی با آن‌ها، برای انجام یا عدم انجام وظایف مرتبط با اداره یا سازمان محل اشتغال آن‌ها» و ارتشا یا رشوه‌گرفتن را به «اخذ وجه، مال یا سند تسلیم وجه یا مال توسط مأموران دولت یا کارکنان شاغل در نهادهای عمومی و سایر افراد مذکور در قانون یا انجام معامله با بهای غیرواقعی از سوی آن‌ها، برای انجام یا عدم انجام وظایف مرتبط با اداره یا سازمان محل اشتغال آن‌ها»^۶ تعریف کرد.

۲. رشا و ارتشا در بخش خصوصی از زاویه حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی

در گذشته رشوه، تنها گناهی فردی محسوب می‌شد، اما امروزه مفهومی گسترده یافته و در عرصه بین‌المللی نیز وارد شده و در قوانین جزایی معاصر جهان به طور مفصل به آن توجه شده و برای کاهش دامنه

۱. ابن‌سیده، المخصص، ۷۸/۳.

۲. ابن‌منظور، لسان‌العرب، ۳۲۲/۴.

۳. انصاری، مکاسب، ۲۴۸/۱؛ رحیمی، سلیمانی، «بررسی حکم و مبانی فقهی رشوه در غیرقضاوت»، ۸۳۰.

۴. نراقی، مستند الشیعه، ۷۲/۱۷.

۵. گلپایگانی، کتاب القضاء، ۲۴۰/۱.

۶. میرمحمدصادقی، حقوق کیفری اختصاصی ۳: جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، ۴۱۵ تا ۴۱۶.

و مبارزه با شیوع آن، اقدامات و فعالیت‌های مهمی انجام گرفته و موضوع کنوانسیون‌های متعددی مانند «کنوانسیون حقوق جزا در مورد فساد»^۱ مصوب کشورهای عضو شورای اروپا در استراسبورگ و کنوانسیون مریدا^۲ (کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد) قرار گرفته است. کنوانسیون حقوق جزا در خصوص فساد، هم رشوه‌دادن به مقامات دولتی داخلی و خارجی، از جمله قضات و هم رشوه‌دادن در بخش خصوصی را بحث کرده است. رشوه‌دادن به کارکنان بخش خصوصی در ماده ۷ و رشوه‌گرفتن آن‌ها در ماده ۸ این کنوانسیون پیش‌بینی شده است.^۳

کنوانسیون مریدا اصلی‌ترین کنوانسیون است که به این موضوع پرداخته و از طرفی ایران نیز در سال ۱۳۸۷ به موجب مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام به این کنوانسیون ملحق شده است، لذا اشاره به محتوای این کنوانسیون در این خصوص ضروری است. کنوانسیون مریدا در راستای یک همکاری بین‌المللی برای مبارزه مؤثر با فساد مالی و اداری، در شهر مریدای مکزیک تشکیل شد. این کنوانسیون شامل یک مقدمه، هشت فصل و هفتادویک ماده است. در مقدمه این کنوانسیون تأکید شده است که امروزه فساد به یک کشور یا قلمرو خاص منحصر نیست، بلکه جنبه فراملی پیدا کرده است که بر تمامی جوامع و اقتصادها تأثیر می‌گذارد. ماده یک این کنوانسیون مواردی را از اهداف این کنوانسیون بر شمرده است که عبارت‌اند از: ارتقا و تحکیم اقدامات جهت پیشگیری و مبارزه مؤثرتر و کارا تر با فساد؛ ارتقا، تسهیل و حمایت از همکاری‌های بین‌المللی و کمک‌های فنی در زمینه پیشگیری و مبارزه با فساد؛ ترغیب امانتداری، پاسخ‌گویی و مدیریت مناسب امور عمومی و اموال دولتی.

از جمله نوآوری‌های این کنوانسیون، جرم‌انگاری رشا و ارتشا در بخش خصوصی است. در بسیاری از کشورها، رشوه در بخش خصوصی جرم‌انگاری شده است. این کنوانسیون، رویه قضایی دولت‌ها را به اصلی جهانی تبدیل کرده است؛ زیرا دنیای امروز به سمت خصوصی‌سازی اقتصادی یا فعال کردن بخش خصوصی گام برمی‌دارد و در بسیاری از کشورها بیش از سه چهارم فعالیت‌های اقتصادی داخلی و بین‌المللی را بخش خصوصی انجام می‌دهد.^۴ در این کنوانسیون، جرم رشوه به مقامات دولتی داخلی (ماده ۱۵)، مقامات خارجی و مقام‌های سازمان‌های عمومی بین‌المللی (ماده ۱۶) و بخش خصوصی (ماده ۲۱) تعمیم یافته است.

1 Criminal Law Convention on Corruption, 1999.

2 United Nations Convention against Corruption, 2003.

۳. میر محمدصادقی، حقوق کیفری اختصاصی ۳: جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، ۱۳ تا ۱۴۴۱.

۴. نجفی ابرندآبادی، تقریرات درس بزهکاری اقتصادی، ۲۵۲.

ماده ۲۱ کنوانسیون مریدا مقرر کرده است که کشورها در قوانین خود، رشوه در بخش خصوصی را جرم به شمار آورند و برای آن ضمانت‌اجرایی مناسب تعیین کنند. این ماده چنین مقرر می‌دارد: «هر کشور عضو، اتخاذ قوانین و سایر اقدامات مقتضی را مدنظر قرار خواهد داد تا موارد زیر در صورتی که به صورت عمدی در خلال فعالیت‌های اقتصادی، مالی یا بازرگانی ارتکاب یافته باشد، جرم کیفری تلقی شود:

أ. وعده، ارائه یا دادن مستقیم یا غیرمستقیم امتیاز بی مورد به هر شخص که در هر جایگاهی برای بخش خصوصی فعالیت می‌کند یا آن را اداره می‌کند. برای خود آن شخص یا شخص دیگر، برای اینکه وی با زیرپا گذاشتن وظایف خود، عملی را انجام دهد یا از انجام آن خودداری کند؛

ب. درخواست یا قبول مستقیم یا غیرمستقیم امتیاز بی مورد توسط هر شخص که در هر جایگاهی برای بخش خصوصی فعالیت می‌کند یا آن را اداره می‌کند، برای خود آن شخص یا شخص دیگر برای اینکه وی با زیرپا گذاشتن وظایف خود، عملی را انجام دهد یا از انجام آن اجتناب ورزد.»

قوانین کیفری ایران رشا و ارتشا را جرم‌انگاری کرده و برای مقابله با آن برحسب موقعیت، درجه مأموران دولتی و حکومتی و نیز برحسب شدت و ضعف جرم تحقیق یافته، مجازات‌هایی در نظر گرفته است. ماده سه «قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری»، مصوب ۱۳۶۷/۹/۱۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام، مواد ۵۸۸ تا ۵۹۴ و همچنین قسمت اخیر ماده ۵۳۹ قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۷۵ و مواد ۱۱۸ و ۱۲۰ و ۱۲۱ و ۱۲۴ «قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح» مصوب سال ۱۳۸۲ از مهم‌ترین قوانین کشور در این زمینه هستند.

در حقوق ایران، جرایم رشا و ارتشا در صورتی محقق می‌شوند که رشوه‌گیرنده از زمره کارکنان دولت و به موجب ماده ۳ «قانون تشدید...» جزء «مستخدمین و مأمورین دولتی اعم از قضایی و اداری یا شوراها یا شهرداری‌ها یا نهادهای انقلابی و به‌طور کلی قوای سه‌گانه و همچنین نیروهای مسلح یا شرکت‌های دولتی یا سازمان‌های دولتی وابسته به دولت و یا مأمورین به خدمات عمومی خواه رسمی یا غیررسمی» باشد. در ماده ۵۹۰ قانون تعزیرات نیز به «مستخدمین دولتی اعم از قضایی و اداری» اشاره شده است و در ماده ۵۹۲ تعزیرات نیز به «اشخاص مذکور در ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری» ارجاع داده شده است. ماده ۱۱۸ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح نیز ارتکاب جرم ارتشا را توسط هر فرد نظامی جرم دانسته است؛ براین اساس، جرم رشا و ارتشا در بخش خصوصی در قوانین ایران پیش‌بینی نشده است؛ لذا بر فرض این‌که در بخش خصوصی مبادلات نامشروعی هم صورت بگیرد یا فاقد وصف مجرمانه است یا آنکه حسب مورد با تحقق شرایط قانونی، تحت عناوین دیگری چون اخاذی، کلاهبرداری یا تحصیل مال نامشروع قابل تعقیب و رسیدگی است.

۳. رشا و ارتشا در بخش خصوصی از منظر مبانی فقه امامیه

در اصطلاح فقهی، بیشتر فقها رشوه را به باب قضا منحصر دانسته‌اند؛ برای مثال، شیخ انصاری پرداخت رشوه به غیرقاضی را از باب صدق عنوان رشوه شرعی حرام ندانسته، بلکه از باب آنکه مصداق اکل مال به باطل و فساد است، آن را حرام دانسته است.^۱ هریک از دو مبنا که سبب حرمت رشوه باشد در گناه و جرم بودن آن تفاوتی ایجاد نمی‌شود. باین حال اگر رشوه در غیرقضا به دلیل صدق اکل مال به باطل حرام باشد، گرفتن آن حرام نخواهد بود؛ بلکه تصرف در آن حرام است و مال مزبور به عنوان امانت در دست آخذ است، اما چنان‌که کار مزبور را به سبب صدق عنوان رشوه و دلایل حرمت رشوه حرام بدانیم، در این صورت گرفتن آن نیز حرام خواهد بود.^۲

بی‌تردید، منحصر دانستن رشوه به باب قضاوت سبب آن می‌شود که رشا و ارتشا در بخش خصوصی زیرمجموعه رشوه قرار نگیرد، چون رشا و ارتشا در بخش خصوصی، رشا و ارتشا در غیرقضاوت است. مهم‌ترین دلیل معتقدان به انحصار حکم حرمت رشوه به باب قضا، برخی روایات است، چنان‌که امام باقر(ع) فرموده‌اند: «الرِّشَاءُ فِي الْحُكْمِ، فَإِنَّ ذَلِكَ الْكُفْرُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَ بَرَسُؤَلِهِ (ص)»؛ رشوه گرفتن در قضاوت، کفر به خداوند بزرگ و رسولش (ص) است.^۳ در مقابل، از برخی روایات و همچنین ادله دیگر می‌توان تسری رشوه به غیرقضاوت (مانند رشوه در بخش خصوصی) را استنباط کرد.

در گذشته، تفکیک بخش دولتی از بخش خصوصی به گونه‌ای امروزی آن متداول نبوده است؛ از این رو، فقها در کتب فقهی متعرض رشوه در بخش خصوصی نشده‌اند. از سویی، در قرآن و روایات رشوه به حکم مقید شده است، تقیید مزبور از آن روست که در همه اعصاب بسیار مورد ابتلا بوده است؛ لذا قید مزبور غالبی است که مفهوم ندارد؛ لذا متونی که به طور مطلق رشوه را ممنوع دانسته‌اند باید بر همان معنای مطلق حمل شوند و از تقیید آن‌ها به حکم، خوداری شود.^۴

رشوه در غیرحکم و قضا نیز حرام است؛ زیرا روایاتی که رشوه را نکوهش کرده‌اند آن را به حکم و قضا مقید کرده‌اند؛ اما مقتضای اطلاق برخی از دیگر روایات رشوه می‌رساند که رشوه در غیرحکم نیز حرام است.^۵ برای حرمت رشوه در غیرقضاوت، تفصیلی نیز بیان شده است؛ مثلاً برخی گفته‌اند که در غیرقضا اگر برای کار حرامی رشوه دهند، کار حرامی مرتکب شده‌اند؛ زیرا کار مزبور سبب اعانه بر اثم و متابعت از

۱. انصاری، المکاسب، ۲۴۸/۱.

۲. انصاری، المکاسب، ۲۴۸/۱.

۳. کلینی، الکافی، ۶۸۷/۹.

۴. منتظری، دراسات فی المکاسب المحرمة، ۲۰۲/۳.

۵. گلپایگانی، کتاب القضاء، ۲۰۷/۱.

هوای نفس است، اما اگر برای تحقق کار مباح و حلالی رشوه دهند، رشوه مزبور به دلیل اصل برائت حلال است.^۱ با وجود تفصیل مزبور و مانند آن، از عبارات فقها بر می آید که در خصوص حرمت رشوه در غیرقضا اتفاق نظر وجود دارد.^۲

عبارت آیت الله سبحانی در این باره حائز اهمیت است که در آن گفته است: «رشوه در غیرقضاوت نیز جاری می شود، مثل آنکه کسی چیزی به حاکم عرفی و یا ظالم و یا رئیسی بدهد تا او را در ظلم یا دیگر معاصی یاری کند.»^۳ تعابیر حاکم عرفی، ظالم و رئیس، معاصی در عبارت آیت الله سبحانی عمومیت دارند و می توانند به بخش خصوصی تسری پیدا کنند و حرمت رشوه در بخش خصوصی را نتیجه دهند، زیرا بخش دولتی و بخش خصوصی از مصادیق مهم غیرقضاست، از سویی عناوین حاکم عرفی و مانند آن در هر دو بخش دولتی و خصوصی یافت می شود.

در ادامه، ادله ای که براساس آن تسری حکم حرمت ارتشا به بخش خصوصی از منظر مبانی فقه امامیه را بتوان استنباط کرد خواهد آمد. می توان گفت که نخستین دلیل، معنای لغوی رشوه است که براساس آن رشوه هم در ادارات و مؤسسات دولتی و هم در بخش خصوصی جریان یافته است. در ابتدای نوشتار در خصوص معنای لغوی رشا و ارتشا سخن گفته شد، لذا از تکرار آن خودداری می کنیم و در ادامه، سایر ادله مستند را بررسی می کنیم.

۴. ۱. آیات قرآن

آیاتی که می توان تسری حکم رشوه به بخش خصوصی را از آن ها استنباط کرد در سه گروه ذیل قرار می گیرند:

۴. ۱. ۱. آیات نهی کننده از اکل مال به باطل

از جمله این آیات می توان به آیه ۲۹ سوره نساء و آیه ۱۸۸ سوره بقره اشاره کرد. آیه ۲۹ سوره مبارکه نساء می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ»؛ هان! ای کسانی که ایمان آوردید، اموال خود را در بین خود به باطل مخورید، مگر آنکه تجارتي باشد ناشی از رضایت دهنده و گیرنده.» چنان که گذشت شیخ انصاری در صدق عنوان رشوه در غیر حکم و قضا تردید کرده است؛ اما به دلیل آنکه مصداق اکل مال به باطل است، آن را حرام دانسته است.^۴

۱. نراقی، مستند الشیعة، ۷۳/۱۷.

۲. سیفی مازندرانی، دلیل تحریر الوسيلة: ولاية الفقيه، ۲۶۴.

۳. سبحانی تبریزی، نظام القضاء والشهادة في الشريعة الغراء، ۳۰۹/۱.

۴. انصاری، المكاسب، ۲۴۸/۱.

آیه ۱۸۸ سوره بقره نیز می‌فرماید: «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِيَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ»؛ و اموال خود را در بین خود به باطل مخورید و برای خوردن مال مردم، قسمتی از آن را به طرف حکام به رشوه و گناه سرازیر نکنید با اینکه می‌دانید که این عمل حرام است.

برای روشن شدن چگونگی دلالت این آیات بر حرمت رشوه در بخش خصوصی، توضیح برخی از کلمات کلیدی آن‌ها؛ یعنی اکل، مال، باطل و ادلاء ضروری است.

واژه اکل در لغت به معنای خوردن است و مقصود از آن تملک و تصرف اموال دیگران به ناحق است.^۱ علامه طباطبایی گفته‌اند: «منظور از اکل اموال مردم، گرفتن آن و یا مطلق تصرف در آن است که به طور مجاز، خوردن مال مردم نامیده می‌شود.»^۲

بنابراین واژه اکل در اینجا به معنای تصرف، انتفاع و استفاده است. بسیاری از مفسران به دلیل وضوح معنای آن، از شرح و تفسیر این واژه خودداری و به همان معنای عرفی در درک این لغت اکتفا کرده‌اند.^۳ بدیهی است که بر این اساس، اکل، همه تصرفات و تملکات چه در بخش دولتی و چه در بخش خصوصی را در بر می‌گیرد.

واژه مال مفهوم وسیع و گسترده‌ای دارد. مال، در لغت عرب از فعل ماضی میل، به معنای خواستن است و علت نام‌گذاری آن به مال هم، همان میل به این و آن و دست‌به‌دست شدن است.^۴ علامه طباطبایی در این خصوص معتقد است: «مال عبارت از ملک است که طبعاً مورد رغبت و میل باشد و گویا اصلاً از میل گرفته شده، به سبب اینکه دل‌ها به آن مایل است.»^۵ مال، در اصطلاح حقوقی چیزی است که ارزش اقتصادی دارد و قابل تقویم به پول باشد؛ یعنی بتواند مورد دادوستد قرار گیرد.^۶ برخی، تمام آنچه که حوایج و امور زندگی انسان به وسیله آن برطرف می‌شود یا می‌تواند وسیله تحصیل آن امور قرار گیرد را مال شمرده‌اند.^۷ واژه اموال الناس در آیه محل بحث هم اموال عمومی و هم اموال خصوصی را در بر می‌گیرد و نهی از تصرف در اموال مردم، محدود به بخش خاصی (اعم از دولتی یا خصوصی) نیست و شامل مطلق

۱. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ۸۰.

۲. طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۷۳/۲.

۳. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۳۵۵/۳.

۴. طریحی، مجمع البحرین، ۴۸۳/۵.

۵. طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۵۲۵/۲.

۶. طاهری، حقوق مدنی، ۱۶۹/۱.

۷. بجنوردی، القواعد الفقهیه، ۳۰/۲.

تصرف به باطل در اموال مردم است.

باطل از ریشه بطل، به معنای نابودی و ناپایداری و ضد حق است.^۱ بیشتر استعمال این واژه در قرآن در برابر واژه حق است. امام باقر(ع) درباره باطل در این آیه می‌فرماید: «منظور از باطل، ربا، قمار، کم‌فروشی و تجاوز به حقوق دیگران است.»^۲

قاعدتاً در این دو آیه منظور از نهی از باطل، نهی از سبب باطل است و مواردی که شارع آن‌ها را مباح ندانسته است را شامل می‌شود؛ از جمله این موارد می‌توان به غصب، سرقت، خیانت و عقود فاسد اشاره کرد. مواردی که عقد نیستند؛ مانند قمار، اجرت زانیه و... نیز از مصادیق آن است.^۳ به عبارت دیگر، می‌توان گفت که منظور از باطل، مطلق تصرفات و تملکات حرام و غیرقانونی است و بر هر تصرف نامشروع و هر غیرحقی اطلاق می‌شود، بدیهی است که باتوجه به اطلاقات ادله حرمت رشوه^۴ و اجماعی بودن حرمت رشوه در غیرقضاوت^۵ و نیز باتوجه به تصریح شیخ انصاری بر اینکه رشوه در غیرقضاوت به دلیل صدق عنوان اکل مال به باطل، حرام است.^۶ همه صور رشوه از جمله رشوه در بخش خصوصی از مصادیق باطل است. گذشته از این‌ها، برخی از فقها تصریح کرده‌اند که در غیرقضا در دو فرض، رشوه به طور قطع به دلیل اکل مال به باطل حرام است، گرچه آن را رشوه ندانیم. آن دو فرض عبارت‌اند از: ۱. دادن مالی برای انجام کاری حرام؛ ۲. دادن مالی برای انجام کاری بدون توجه به حلال یا حرام بودن آن کار.^۷ بدیهی است که فروض مزبور در بخش خصوصی نیز صادق است.

باتوجه به آنچه در تفسیر کلمات گذشت، آیات مزبور علاوه بر نکوهش رشوه در بخش دولتی، حرمت رشوه در بخش خصوصی را نیز نتیجه می‌دهد؛ زیرا مال، هر چیزی اعم از پول، اسناد مالی، منافع و... را در بر می‌گیرد^۸ و باطل نیز منحصر به موارد خاصی نیست؛^۹ بنابراین هر مالی که به عنوان رشوه در بخش خصوصی نیز داده شود مشمول اطلاق این آیه قرار می‌گیرد و بر فرض تردید در صدق عنوان رشوه بر آن، به دلیل صدق اکل مال به باطل حرام خواهد بود. در واقع، باتوجه به دگرگونی جوامع و تغییر شرایط و اوضاع

۱. طریحی، مجمع البحرین، ۲۱۲/۱.

۲. طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۴۹/۳.

۳. فاضل مقداد، کنز العرفان فی فقه القرآن، ۳۳/۲.

۴. گلپایگانی، کتاب القضاء، ۲۳۶/۱.

۵. سیفی مازندرانی، دلیل تحریر الوسیلة: ولایة الفقیه، ۲۶۴.

۶. انصاری، مکاسب، ۲۴۸/۱.

۷. موسوی اردبیلی، فقه القضاء، ۴۲۷/۱.

۸. بجنوردی، القواعد الفقهیه، ۳۰/۲.

۹. طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۲۵/۲.

و احوالی که امروز به‌ویژه در پیدایش سازمان‌ها و ادارات دولتی و غیردولتی به وجود آمده است، باطل با اشکال و مصادیق جدیدتری ظهور یافته و شکل‌های جدیدی از جرایم؛ از جمله رشا و ارتشا در بخش خصوصی به وجود آمده است. در مواردی که دربارهٔ بطلان یا عدم بطلان چیزی نص یا مصداقی وجود ندارد، فهم عرف و عقل در تشخیص باطل، ملاک و مناط است؛ چنان‌که آیت‌الله مکارم شیرازی پس از بیان کلیت و عمومیت باطل نوشته‌اند: «خلاصهٔ منظور از آیه آن است که از خوردن هر مالی که عرف آن را باطل می‌داند؛ مانند غصب، رشوه، کم‌فروشی و جز آن‌ها نهی شده است.»^۱

رشوه هم در عرف و هم در شرع مصداق باطل به شمار آمده است؛ لذا در هر دو بخش دولتی و خصوصی تصرفی نامشروع و باطل است.

برخی از مفسران تصریح کرده‌اند که منظور از «الحکام» در آیهٔ ۱۸۸ سورهٔ بقره، طبقهٔ حاکم است،^۲ اما پاره‌ای دیگر از مفسران بر این باورند که «حاکم، اعم است از آنکه عنوان قضاوت داشته باشد یا مسئولیتی همچون توزیع امکانات در بین مردم برعهدهٔ وی باشد.»^۳ همچنین لفظ حاکم بیشتر دربارهٔ قاضی به کار رفته و در والی کمتر استعمال شده است؛ اما لفظ حکام، مشترک معنوی بین قضات و والیان است.^۴ در بخش خصوصی نیز کارکنانی تحت امر افرادی که مافوق آن‌ها هستند کار می‌کنند و خود می‌توانند محل رجوع دیگران باشند. بنابراین در آیهٔ ۱۸۸ سورهٔ بقره، منظور از حکام، تنها قضات جور نیست، بلکه متولیان امور که ادارهٔ جامعه را برعهده دارند، چه در بخش دولتی و چه در بخش خصوصی را نیز شامل می‌شود؛ زیرا قیود مذکور در آیه؛ از جمله «الحکام»، غالبی هستند، لذا خصوص قاضی مدّ نظر نیست، چون در زمان‌های گذشته و کنونی غالباً ابطال حق توسط قضات صورت گرفته است؛ لذا واژهٔ حکام، دیگر حاکمان، از جمله کارمندان و ظالمان را شامل می‌شود.^۵ چنانچه در بخش خصوصی نیز کارکنانی تحت امر افرادی که مافوق آن‌ها هستند کار می‌کنند و خود می‌توانند محل رجوع دیگران و مرجع تعیین حکم باشند.

کلمهٔ «الإثم» در آیهٔ ۱۸۸ سورهٔ بقره نیز به دلیل سیاق می‌تواند به معنای رشوه باشد.^۶ «تَدُلُّوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ» نیز می‌تواند مفهوم رشوه را بدهد، زیرا همان‌گونه که ارسال دلو در چاه برای رسیدن به آب است،

۱. مکارم شیرازی، انوار الفقاهة، ۹۳.

۲. طالقانی، تفسیر پرتوی از قرآن، ۷۷/۲.

۳. ابوزهره، زهرة التفسیر، ۵۷۰/۲؛ مصطفوی، تفسیر روشن، ۴۰۵/۲.

۴. منتظری، نظام الحکم فی الإسلام، ۱۴۸.

۵. سبحانی تبریزی، نظام القضاء و الشهادة فی الشريعة الغراء، ۳۰۳/۱.

۶. سلطان علی‌شاه، تفسیر بیان السعادة، ۱۷۷/۱.

دادن رشوه نیز برای رسیدن به مالی است، لذا آیه مزبور می‌تواند دلیلی بر حرمت رشوه باشد.^۱ بدیهی است که حرمت رشوه به‌عنوان یکی از اسباب به‌دست آوردن مال از طریق حرام به بخش دولتی اختصاص ندارد، بلکه در بخش خصوصی نیز حرام است.

۴. ۱. ۲. آیات منع‌کننده از اکل سحت

آیاتی از قرآن کریم از مطلق رشوه تحت‌عنوان «سحت» نهی و نکوهش می‌کند که از جمله می‌توان به این آیه اشاره کرد: «لَوْ لَا يَنْهَاهُمْ رَبِّيُنَّونَ وَ الْأَخْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْأَثَمَ وَ أَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ»؛^۲ چرا علمای نصارا و یهود، ملت خود را از گفتارهای گناه و رشوه‌خواری باز نمی‌دارند؟! راستی چه رفتار بدی است که می‌کنند.

با وجود مصادیق گوناگون سحت؛ از جمله ربا، برخی از مفسران، از جمله صاحب مجمع‌البیان، سحت را به معنای رشوه تفسیر کرده‌اند.^۳ چنان‌که گذشت یکی از مصادیق رشوه حرام، رشوه در بخش خصوصی است.^۴

در این آیه خداوند یهود را به دلیل «اکل سحت» نکوهش کرده است. سحت، در لغت به معنای از ریشه‌کنند و فاسدکردن است، «اسحت ماله، یعنی مالش را تباه کرد.»^۵ این کلمه در اصل به معنای استیصال است و به هر مال حرامی که سبب ننگ و عار است به این دلیل سحت می‌گویند که زود مستأصل می‌شود و دوام ندارد یا از این رو که صاحبش را به عذاب بنیان‌کن دچار می‌کند.^۶ هر کسب حرامی را نیز سحت می‌گویند، زیرا دین و مروّت را ریشه‌کن می‌سازد. به رشوه نیز از این رو که اقتصاد را ریشه‌کن و تجارت را فاسد می‌کند، سحت گفته می‌شود.^۷

۴. ۱. ۳. آیه تعاون

آیه «وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ»^۸ به آیه تعاون معروف و مشهور است، می‌تواند از جمله دلایل حرمت رشوه در بخش خصوصی باشد، چنان‌که نراقی در بحث «الرشوة فی غیر الحکم» بر این باور است که هرگاه چیزی را به قصد انجام کاری حرام به دیگری بدهند، اعطای مزبور

۱. موسوی اردبیلی، مفتاح‌المطالب، ۱۱۲.

۲. مانده: ۶۳.

۳. طبرسی، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، ۳۳۵/۳.

۴. موسوی اردبیلی، فقه القضاء، ۴۲۷/۱.

۵. ابن‌منظور، لسان العرب، ۴۱/۲.

۶. فخر رازی، تفسیر مفاتیح‌الغیب، ۲۳۴/۱۱.

۷. رشیدرضا، تفسیر المنار، ۳۹۲/۶.

۸. مانده: ۲.

حرام است؛ زیرا سبب کمک به تحقق گناه، عدوان و معصیت است.^۱

۲.۴. روایات

دومین دلیل جواز تسری حرمت رشوه به بخش خصوصی، اطلاق پاره‌ای از روایات رشوه است که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

امام باقر(ع) می‌فرماید: «لعن رسول الله(ص)... رجلاً احتاج الناس اليه لتفقّهه فسألهم الرشوة»؛ پیامبر(ص) چند گروه را لعن کرده‌اند... از جمله آن‌ها شخصی است که مردم به دانایی و توان علمی وی نیاز دارند، اما وی از مردم درخواست رشوه کند.^۲ جامعه به تخصص هر عالمی نیازمند است. روشن است دولتی یا خصوصی بودن در نیاز به عالم هیچ مداخلیتی ندارد.

امام علی(ع) فرموده‌اند: «هر والی که خود را برای برنیارندن نیازمندی‌های مردمان پوشیده بدارد، در روز قیامت خداوند نگذارد که نیازهایش را به گوش او برساند و اگر والی هدیه‌ای بپذیرد، خیانت کرده است و اگر رشوه بگیرد مشرک است.»^۳ روایت مزبور به دلیل «وإن اخذ یعنی الوالی هدیه» مطلق است، اطلاق آن می‌رساند که رشوه در غیر حکم نیز حرام است.^۴

امام رضا(ع) در تفسیر آیه «أَكَلُونَ لِلسُّخْتِ»^۵ فرموده‌اند: «منظور از خوردنده سحت کسی است که نیاز برادر مؤمنش را برطرف کند، آنگاه هدیه‌اش را بپذیرد.»^۶ کلمه حاجت در روایت مزبور مطلق است و دولتی یا خصوصی بودن، هیچ مداخلیتی در تحقق رشوه ندارد. از سوی دیگر، در برخی از روایات آمده است که علت حرمت رشوه از بین رفتن اموال است. امام باقر(ع) فرموده‌اند: «قد علم الله أنه یكون حکام یحکمون بغير الحق فنهی أن یتحاکم إلیهم، لأنهم لایحکمون بالحق فیبطل الأموال.»^۷ خداوند دانست که حاکمانی به حق و عدالت حکم نمی‌کنند؛ از این رو، از بردن حکم نزد ایشان نهی فرمود؛ زیرا آن‌ها به حق حکم نمی‌کنند و سبب تباهی اموال می‌شوند. روشن است که از بین رفتن اموال به رشوه در بخش دولتی اختصاص ندارد، بلکه رشوه در بخش خصوصی را نیز در بر می‌گیرد.

باتوجه به روایات یادشده، رشوه، خواه در بخش دولتی و خواه در بخش خصوصی حرام و مذموم است؛

۱. نراقی، مستند الشیعة، ۷۳/۱۷.

۲. حر عاملی، وسائل الشیعة، ۲۲۳/۲۷.

۳. حر عاملی، وسائل الشیعة، ۹۴/۱۷.

۴. گلپایگانی، کتاب القضاء، ۲۳۶/۱؛ اراکی، المکاسب المحرمة، ۶۱.

۵. مانده: ۴۲.

۶. امام رضا(ع)، صحیفة الرضا، ۸۲.

۷. فیض کاشانی، الصافی، ۲۲۷/۱.

از این رو، برخی از فقها از جمله شیخ طوسی و ابن ادریس حلی با استفاده از اطلاق ادله رشوه تصریح کرده‌اند که رشوه بر قاضی و حاکم و متولی امور مسلمانان حرام است.^۱

۴.۳. عقل

از دیدگاه عقل، قبح رشوه از امور بدیهی است و مخالفت با آن، قبل از اینکه مسئله‌ای دینی باشد، امری عقلی و انسانی است؛ زیرا رشوه سبب جمع شدن ثروت در دست عده‌ای خاص، از بین رفتن کارهای مولد و اقسام مفاسد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی می‌شود و به اجتماع لطمه‌های شدیدی وارد می‌کند. عقل چنین زیان‌هایی را نمی‌پسندد و در نتیجه رشوه را در همه صور آن نادرست می‌داند. بدیهی است که رشوه مصداق ظلم و عدوان است، لذا برای اثبات حرمت رشوه به دلیل دیگری نیاز نیست.^۲

آیت‌الله لاری در استناد به دلیل عقل گفته است: «عقل به وضوح رشوه را ظلم قبیح می‌داند، به‌ویژه در فرضی که برای حکم به باطل باشد و نیز برای گیرنده رشوه، همچنین به‌ویژه در فرضی که گیرنده رشوه نیاز مالی نداشته و قضاوت بر وی واجب عینی باشد، فطرت سلیم بر قبح گرفتن رشوه و حسن ترک آن دلالت دارد، حتی کفار و ملاحظه و افراد خارج از مذهب نیز آن را قبیح می‌دانند.»^۳ بدیهی است که به دلیل صدق ظلم و ستم، عقل بین رشوه در بخش دولتی و خصوصی تفاوتی نمی‌بیند، خصوصاً آنکه گاهی کار واحدی را هم بخش دولتی و هم بخش خصوصی انجام می‌دهد و نمی‌توان آن کار را در بخش دولتی جرم دانست ولی در بخش خصوصی آن را جرم تلقی نکرد.

از سوی دیگر، اسلام دینی جامع است که پاسخ‌گوی نیازهای بشر در هر عصر است. یکی از اصولی که نقش اساسی در گسترش فقه برای تأمین نیازهای جامعه بشری و حل معضلات اجتماعی آن در ابعاد گوناگون دارد، عنصر مصلحت است. مصلحت به معنای بهبودبخشیدن و در مقابل تباه کردن است.^۴ مصلحت چیزی است که انسان را به سوی کارهای شایسته و مفید رهنمون سازد. مصلحت در متن فقه امامیه قرار دارد و در کلام فقها نیز در برخی ابواب فقهی به مناسبت‌های گوناگون به کار رفته است.^۵ البته مصلحت‌اندیشی باید مخالف اصول شرع مقدس نباشد، بلکه بر محور مقاصد شریعت متمرکز باشد تا مصالح عمومی تأمین شود. به نظر می‌رسد بر فرض که رشوه در اصل شریعت ناظر به بخش دولتی باشد، با توجه به گسترش خصوصی‌سازی و عهده‌دار شدن بخشی از وظایف عمومی جامعه توسط این بخش،

۱. طوسی، المبسوط، ۱۵۲/۸؛ ابن ادریس، السرائر، ۱۶۶/۲؛ نراقی، مستند الشیعة، ۷۳/۱۷.

۲. موسوی اردبیلی، فقه القضاء، ۴۲۳/۱.

۳. لاری، التعلیقة علی المکاسب، ۱۳۱/۱.

۴. ابن منظور، لسان العرب، ۴۶۲/۲.

۵. طوسی، تهذیب الأحکام، ۲۴۰/۲؛ شهید ثانی، شرح لمعه، ۲۶۳/۱.

مصلحت اجتماعی مقتضی آن است که عنوان رشوه را شامل همه مصادیق آن و در همه بخش‌ها اعم از دولتی و خصوصی بدانیم. جامعه باید بتواند بر صحت عمل کارکنان بخش دولتی و خصوصی اعتماد کند. باتوجه به حکم عقل بر قبح اخذ رشوه به دلیل آنکه سبب ظلم است، عقل به طور مستقل به قبح ظلم حکم می‌کند. از سویی، رشوه از مصادیق ظلم به دیگران است و از سوی دیگر، قبح ظلم از جمله مصادیق مستقلات عقلیه است، لذا از نگاه عقل و شرع رشوه قبیح است. عقل نیز به طور مستقل احترام به مال دیگران را لازم می‌داند، بدیهی است که اخذ رشوه با لزوم احترام مال دیگران هم‌خوانی ندارد.

به نظر می‌رسد امروزه باتوجه به گستردگی بخش خصوصی و توسعه دامنه رشوه در بیرون از ساختمان‌های دولتی، تسری آن به بخش خصوصی لازم می‌آید. تفکیک بین بخش خصوصی و بخش دولتی هیچ‌گاه چندان روشن نبوده است و امروزه بسیاری از وظایفی که به طور سنتی دولت‌ها متصدی انجام آن بوده‌اند به بخش خصوصی واگذار شده است. از اموری مثل تأمین آب، برق، گاز، مخابرات و سایر خدمات عمومی که بگذریم، حتی در برخی از کشورها انجام اموری مثل اداره زندان‌ها نیز برعهده بخش خصوصی است. نادرستی جدایی بین کارکنان بخش خصوصی و بخش دولتی در جایی بیشتر خودنمایی می‌کند که کار واحدی را هم بخش دولتی و هم بخش خصوصی انجام می‌دهد. حال براساس چه استدلالی می‌توان رشوه‌خواری را درباره کارکنان زندان‌های زیر نظر دولت ارتشا محسوب کرد، ولی این کار را درباره کارکنان زندان‌های تحت نظر بخش خصوصی جرم محسوب نکرد؟^۱

در حقوق داخلی کشور ما نیز در راستای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، بخش درخور توجهی از شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی در مالکیت دولت یا به صورت کامل به بخش خصوصی واگذار شده است یا حداقل امکان حضور بخش خصوصی در آن به صراحت پذیرفته شده است. طبق ماده ۴ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و چهارم و چهارم قانون اساسی، تمام فعالیت‌های اقتصادی شامل سرمایه‌گذاری، مالکیت و مدیریت در گروه یک (تمامی فعالیت‌های اقتصادی، به جز موارد مذکور در گروه دو و سه ماده ۲ این قانون) منحصراً در اختیار بخش غیردولتی است. همچنین سرمایه‌گذاری، مالکیت و مدیریت در فعالیت‌های گروه دو ماده ۲ این قانون (فعالیت‌های اقتصادی مذکور در صدر اصل ۴۴ و چهارم قانون اساسی، به جز موارد مذکور در گروه سه این ماده) برای بخش‌های خصوصی، تعاونی و مؤسسات عمومی غیردولتی مجاز است. فعالیت بخش‌های خصوصی و تعاونی و عمومی غیردولتی در موارد مشمول گروه سه ماده ۲ این قانون نیز با رعایت تبصره ۱ بند «ج» ماده ۳ این قانون مجاز است. تبصره

۱. میرمحمدصادقی، حقوق جزای اختصاصی ۳: جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، ۴۲۶ تا ۴۲۷.

۱ بند «ج» ماده ۳ این قانون مقرر می‌دارد: «خرید خدمات مالی، فنی، مهندسی و مدیریتی از بنگاه‌های بخش‌های غیردولتی در فعالیت‌های گروه سه ماده ۲ این قانون به شرط حفظ مالکیت صددرصد (۱۰۰٪) دولت طبق آئین‌نامه‌ای که ظرف مدت شش ماه به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی با هماهنگی دستگاه‌های ذی‌ربط به تصویب هیئت وزیران می‌رسد، مجاز است.» فعالیت‌ها، مؤسسات و شرکت‌های مشمول گروه ۳ به موجب ماده ۲ این قانون عبارت‌اند از: شبکه‌های مادر مخابراتی و امور واگذاری بسامد (فرکانس)، شبکه‌های اصلی تجزیه و مبادلات و مدیریت توزیع خدمات پایه پستی، تولیدات محرمانه یا ضروری نظامی، انتظامی و امنیتی به تشخیص فرماندهی کل نیروهای مسلح، شرکت ملی نفت ایران و شرکت‌های استخراج و تولید نفت خام و گاز، معادن نفت و گاز، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بانک ملی ایران، بانک سپه، بانک صنعت و معدن، بانک توسعه صادرات، بانک کشاورزی، بانک مسکن و بانک توسعه تعاون، بیمه مرکزی و شرکت بیمه ایران، شبکه‌های اصلی انتقال برق، سازمان هواپیمایی کشوری و سازمان بنادر و کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران، سدها و شبکه‌های بزرگ آبرسانی و رادیو و تلویزیون.

از این رو، باتوجه به حضور انحصاری بخش غیردولتی در دسته یک و مجوز حضور بخش غیردولتی در دسته دو به صورت مطلق و مجوز حضور بخش غیردولتی در دسته سه به شرط رعایت تبصره ۱ بند «ج» ماده ۳ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی، چنان‌چه جرایم اقتصادی، از جمله رشای و ارتشا فقط در بخش دولتی جرم تلقی شود، می‌تواند آثار سوء اقتصادی و اجتماعی گسترده‌ای را در پی داشته باشد. از این رو، پیشگیری و مبارزه با رشای و ارتشا در بخش خصوصی بیش از گذشته ضرورت پیدا کرده است. از سوی دیگر، واگذاری اختیارات و اقتدارات عمومی به بخش خصوصی بدون پیش‌بینی تضمینات و راهکارهای تأمین سلامت آن ممکن است سبب شود شهروندان از این ناحیه مورد ظلم و بی‌عدالتی قرار گیرند.

در شرایط فعلی در حقوق ایران، فساد در بخش خصوصی در بسیاری موارد تنها با پاسخ‌های مدنی یا مقررات مربوط به حقوق کار یا مقررات عام جزایی روبه‌روست، در صورتی که شیوع فساد در این بخش، علاوه بر تأثیرات مخرب فوق‌الذکر، ارزش‌هایی مانند اعتماد، وفاداری و امانتداری که لازمه روابط سالم اقتصادی و اجتماعی است را از بین می‌برد. همچنین تضمین احترام و رعایت قواعد رقابت عادلانه، مبارزه با فساد در این بخش را ضروری می‌کند.

۴.۴.۴. اجماع

درباره اصل حرمت رشوه، قطع نظر از نوع آن اجماع وجود دارد و حتی حرمت آن، اتفاقی بین

مسلمانان و از ضروریات دین بر شمرده شده است.^۱ شهید ثانی^۲ و محقق سبزواری^۳ ضمن تصریح به اجماعی بودن حرمت رشوه اشاره کرده‌اند که هر دو نوع اجماع منقول و محصل را شامل می‌شود^۴ که در حرمت رشوه فرقی نیست که رشوه‌گیرنده قاضی باشد یا عامل و کارگزار.

باتوجه به واژه عامل که شهید ثانی و محقق سبزواری به آن تصریح کرده‌اند می‌توان گفت که دلیل اجماع صرف‌نظر از مدرکی بودن آن به قضاوت و بخش دولتی محدود نمی‌شود، بلکه بخش خصوصی را نیز در بر می‌گیرد؛ زیرا همان‌گونه که معنای عامل نشان می‌دهد لفظ مزبور معنای گسترده‌ای دارد و مدیران، مسئولان و عهده‌داران کارهای بخش خصوصی را نیز شامل می‌شود. تعریف ابن‌اثیر از عامل،^۵ گستردگی مفهوم عامل را نتیجه می‌دهد. از سویی، کلمه حاکم نیز معنای گسترده‌ای دارد، به‌گونه‌ای که علاوه بر قاضی شرعی، قاضی عرفی و هر مسئولی را شامل می‌شود.

چنان‌که گذشت برخی از فقها از اجماع به‌عنوان دلیل مستقل سخن گفته و حرمت رشوه را اتفاقی بین مسلمانان و ضروری دین دانسته‌اند، اما مسئله مدرکی بودن اجماع سبب شده است که برخی از فقها آن را دلیل مستقلی برای حرمت رشوه ندانند.^۶ برخی از فقها نیز تنها به کتاب و سنت به‌عنوان دلایل حرمت رشوه بسنده کرده‌اند و^۷ برخی نیز اجماع مزبور را به دلیل مخالفت برخی از فقها با تعمیم حرمت رشوه مردود دانسته‌اند.^۸

علاوه بر اجماعی بودن حرمت رشوه در قضاوت، رشوه در غیرقضاوت برای حق‌کردن باطل یا باطل کردن حق نیز بالاتفاق حرام است، چنان‌که آیت‌الله سیفی گفته‌اند: «حاصل سخن فقها نشان می‌دهد که اگر در غیرقضا برای حق‌کردن باطل یا باطل کردن حق رشوه دهند، در حرام بودن آن اتفاق نظر است؛ زیرا حرام بودن کار مزبور یا به این دلیل است که اعانه بر ظلم یا معصیت رخ داده است یا آنکه کار مزبور در عموماً حرمت رشوه قرار می‌گیرد.»^۹ تعبیر مزبور نشان می‌دهد که با وجود اختلاف در سبب حرام بودن رشوه در غیرقضاوت، از جمله در بخش خصوصی، در اصل حرمت آن اتفاق نظر وجود دارد. بر فرض که

۱. حسینی شیرازی، ایصال الطالب الی مکاسب، ۱۹۹۲؛ کلپایگانی، کتاب القضاء، ۲۳۳/۱.

۲. شهید ثانی عاملی، مسالک، ۴۱۹/۱۳؛ صاحب‌جواهر، جواهر الکلام فی شرح شرایع الإسلام، ۱۳۱/۴۰.

۳. سبزواری، کفایة الأحکام، ۶۷۷/۲.

۴. صاحب‌جواهر، جواهر الکلام فی شرح شرایع الإسلام، ۱۳۱/۴۰.

۵. ابن‌اثیر، النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، ۳۰۰/۳.

۶. منتظری، دراسات فی مکاسب المحرمة، ۱۴۷/۳.

۷. انصاری، مکاسب، ۱۱۸/۱.

۸. روحانی، فقه الصادق(ع)، ۲۸۳ تا ۲۸۲/۱۴.

۹. سیفی مازندرانی، دلیل تحریر الوسيلة: ولاية الفقيه، ۲۶.

اعطای در غیرقضا را مصداق رشوه ندانیم، به دلیل عنوان دیگری همچون اعانه بر ظلم و معصیت، حرام است.

به نظر می‌رسد اگر دلیل اجماع را نیز به دلیل مخالفت برخی از فقها با تعمیم حرمت رشوه قبول نکنیم، باین حال باتوجه به دیگر دلایل حرمت رشوه، همچون قرآن، روایات و دلیل عقل، درباره حرمت رشا و ارتشا در بخش خصوصی تردیدی نیست؛ لذا جرم‌انگاری آن زیرمجموعه تعزیرات ممکن است.

۴.۵. قاعده لاضرر

رشوه زیان‌های زیادی برای اجتماع دارد، زیرا سبب ازبین رفتن کارهای مولد و پیدایش اقسام مفاسد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی می‌شود. از این مطلب می‌توان به سبب قاعده لاضرر، حرمت و جرم بودن آن را نتیجه گرفت؛ زیرا چنان‌که برخی از فقها تصریح کرده‌اند قاعده لاضرر گذشته از رفع حکم، جعل حکم نیز می‌کند؛^۱ از این رو، حرام نبودن رشوه در بخش خصوصی سبب زیان جامعه است؛ لذا براساس قاعده مزبور به می‌توان به حرمت آن حکم کرد.

نتیجه‌گیری

در خصوص دو رویکرد مطرح شده در خصوص جرم‌انگاری رشا و ارتشا در بخش خصوصی، رویکرد دوم مبنی بر لزوم جرم‌انگاری رشا و ارتشا در بخش خصوصی را می‌توان پذیرفت. این رویکرد برخلاف تصور برخی، مخالف با فقه امامیه نیز نیست و ادله فقهی آن را تأیید می‌کند. رشوه مثل پاره‌ای از عناوین دیگر، از شرایط زمانی و مکانی تأثیر پذیرفته است. در گذشته باتوجه به نبودن بخش خصوصی به معنای امروزی آن در مقابل بخش دولتی، پرداختن به رشا و ارتشا در بخش خصوصی سالبه به انتفاع موضوع بوده است و لذا فقها مستقیماً ورودی به این موضوع نداشته‌اند. اما به نظر می‌رسد باتوجه به مبانی فقه امامیه، در شرایط امروزی امکان اثبات حرمت رشا و ارتشا در بخش خصوصی و به تبع، امکان جرم‌انگاری آن در قوانین کیفری وجود دارد. ادله‌ای که در این خصوص می‌توان آورد هم معنای لغوی رشوه و هم عموم و اطلاق آیاتی از قرآن کریم و روایات است. در شرایط فعلی، دلیل عقل نیز جرم‌انگاری رشا و ارتشا در بخش خصوصی را تأیید می‌کند؛ چراکه باتوجه به گستردگی و پیچیدگی سیستم اداری و ارتباطات در زندگی امروزی ایجاب می‌کند که به جنبه‌های گوناگون رشوه، از جمله در بخش خصوصی توجه شود و سلامت کارکرد این بخش نیز همچون دستگاه‌های دولتی مدنظر و تضمین قرار بگیرد. همان فلسفه و ضرورتی که لزوم برخورد شدیدتر با تعرض کنندگان به اموال عمومی را توجیه می‌کند، در اینجا نیز صدق می‌کند؛ زیرا

۱. مکارم شیرازی، القواعد الفقهیه، ۸۵/۱.

امروزه بسیاری از نهادهای خصوصی متکفل انجام امور عمومی شده‌اند. بنابراین رشا و ارتشا در بخش خصوصی امری حرام است و امکان تعزیر آن به حکم اولیه فقهی وجود دارد و در جرم‌انگاری آن توسل به حکم ثانویه و تلاش برای احراز مصلحت در جرم‌انگاری آن ضرورتی ندارد، گرچه در شرایط حاضر، مصلحت جامعه اسلامی نیز جرم‌انگاری آن را تأیید می‌کند؛ بنابراین به نظر می‌رسد به لحاظ سیاست جنایی تقنینی کشور، مقررات مربوط به رشا و ارتشا باید علاوه بر کارکنان بخش دولتی، کارکنان بخش خصوصی را نیز در بر گیرد. نهایتاً سمت و مقام دولتی می‌تواند کیفیتی مشدده باشد و سبب افزایش مجازات شود.

تغییرات لازمه در قوانین در این خصوص می‌تواند به این سمت پیش رود که قاضی نهایتاً بتواند سمت و مقام دولتی شخص را در هنگام تعیین مجازات مدنظر قرار دهد، حتی سمت دولتی فرد می‌تواند کیفیتی مشدده محسوب شود.

باتوجه به جرم‌دانستن رشا و ارتشا در بخش خصوصی در کنوانسیون مریدا و پیوستن ایران به این کنوانسیون در سال ۱۳۸۷، زمینه جرم‌انگاری آن در قوانین داخلی ایران فراهم شده است. باتوجه به اینکه جرم‌انگاری در حقوق داخلی در صلاحیت دولت‌هاست و در حقوق هر کشوری، وجود عنصری قانونی که عملی را جرم‌پندارد و برای آن مجازات تعیین کند، ضروری است؛ جرم‌انگاری این امر در مقررات کیفری کشور و اصلاح قانون تعزیرات در این خصوص ضروری به نظر می‌رسد. این جرم‌انگاری جدید براساس دلایلی که گذشت هیچ‌گونه مبادی با آموزه‌های دین اسلام و مبانی فقه امامیه نخواهد داشت، بلکه کاملاً منطبق بر آن‌هاست.

منابع

قرآن کریم

- ابن اثیر، مبارک‌بن محمد. النهایة فی غریب الحدیث و الأثر. قم: اسماعیلیان. ۱۳۹۳.
- ابن‌ادریس، محمدبن‌احمد. السرائر. قم: دفتر انتشارات اسلامی. چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
- ابن‌سیده، علی‌بن‌اسماعیل. المخصص. بیروت: دار الکتب العلمیة. چاپ اول، بی‌تا.
- ابن‌منظور، محمدبن‌مکرم. لسان العرب. بیروت: دار الفکر. چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
- ابوزهره، محمد. زهرة التفاسیر. بیروت: دار الفکر. چاپ اول، بی‌تا.
- اراکی، محمدعلی. مکاسب‌المحرمة. قم: مؤسسه در راه حق. چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
- امام رضا(ع)، علی‌بن‌موسی. صحیفة الرضا. مشهد: کنگره جهانی امام رضا(ع). ۱۴۰۶ق.

۹۲/ نشریه فقه و اصول، سال پنجاه و پنجم، شماره ۲، شماره پیاپی ۱۳۳

انصاری، مرتضی بن محمد امین. کتاب المکاسب. قم: مؤسسه باقری. ۱۴۲۰ق.
آقابابائی بنی، اسماعیل. «الحاق ایران به کنوانسیون مبارزه با فساد در زمینه رشا و ارتشا در تعامل با فقه»، مجله فقه و اجتهاد، دوره ۱، ش ۲، ۱۳۹۳. ۹۳-۱۱۸.

بجنوردی، محمدحسن. القواعد الفقهية. محقق: مهدی مهریزی. قم: هادی. ۱۴۱۹ق.

حر عاملی، محمد بن حسن. وسایل الشیعة. قم: آل البیت (ع). ۱۴۰۹ق.

حسینی شیرازی، محمد. ایصال الطالب الی المکاسب. تهران: اعلمی. بی تا.

حسینی عاملی، محمد جواد بن محمد. مفتاح الكرامة فی شرح قواعد العلامة. قم: دفتر انتشارات اسلامی. ۱۴۱۹ق.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. المفردات فی غریب القرآن. دمشق: دار العلم و الدار الشامیة. ۱۴۱۲ق.

رحیمی، مرتضی، سمیه سلیمانی. «بررسی حکم و مبانی فقهی رشوه در غیر قضاوت»، پژوهش های فقهی. دوره ۱۱، ش ۴، ۱۳۹۴، ۸۲۵ تا ۸۴۸.

رشیدرضا، محمد. تفسیر المنار. بی جا: بی تا. چاپ دوم، ۱۳۶۶.

روحانی، محمدصادق. فقه الصادق (ع). بی جا: بی تا.

سبحانی تبریزی، جعفر. نظام القضاء و الشهادة فی الشریعة الغراء. قم: مؤسسه امام صادق (ع). چاپ اول، ۱۴۱۸ق.

سبزواری، محمدباقر. کفایة الأحکام. اصفهان: مهدوی. بی تا.

سلطان علی شاه، سلطان محمد. تفسیر بیان السعادة. بیروت: اعلمی. چاپ دوم، ۱۴۰۸ق.

سیفی مازندرانی، علی اکبر. دلیل تحریر الوسيلة: ولاية الفقیه. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره). ۱۳۸۶.

شرتونی، سعید. اقرب الموارد. بیروت: مرسلی الیسوعیة. چاپ سوم، ۱۳۸۵.

شهید ثانی، زین الدین بن علی. الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة. بیروت: مکتبة الأعلام الاسلامی. ۱۳۷۰.

_____ . مسالک الأفهام. قم: مؤسسه معارف اسلامی. ۱۴۱۳ق.

صاحب جواهر، محمدحسن بن باقر. جواهر الکلام فی شرح شرایع الإسلام. بیروت: دار احیاء التراث العربی. چاپ هفتم، بی تا.

صفی پور، عبدالرحیم. منتهی الإرَب فی لغة العرب. تهران: کتابخانه سنائی. ۱۲۹۷.

طالقانی، محمود. تفسیر پرتوی از قرآن. تهران: شرکت سهامی انتشار. ۱۳۶۲.

طاهری، حبیب الله. حقوق مدنی. قم: دفتر انتشارات اسلامی. چاپ دوم، ۱۴۱۸ق.

طباطبایی، محمدحسین. المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی. چاپ پنجم، ۱۳۷۴.

طبرسی، فضل بن حسن. مجمع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: اعلمی، ۱۴۱۵ق.

طریحی، فخرالدین بن محمد. مجمع البحرین. بی جا: کتاب فروشی مرتضوی. ۱۴۱۶ق.

طوسی، محمد بن حسن. المبسوط. تهران: مرتضوی. چاپ سوم، ۱۳۸۷.

- _____، تهذیب الأحكام. تهران: دار الکتب الإسلامية. چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
- فاضل مقداد، مقدادبن عبدالله. کنز العرفان فی فقه القرآن. قم: بی‌جا. بی‌تا.
- فخر رازی، محمدبن عمر. تفسیر مفاتیح الغیب. بیروت: دار احیاء التراث العربی. چاپ سوم، بی‌تا.
- فیض کاشانی، ملامحسن. الصافی. تهران: صدر. چاپ دوم، ۱۴۱۵ق.
- کلینی، محمدبن یعقوب. الکافی. قم: دار الحدیث. ۱۴۲۹ق.
- گلپایگانی، محمدرضا. کتاب القضاء. قم: دار القرآن. ۱۴۱۳ق.
- لاری، عبدالحسین. التعلیقة علی المکاسب. قم: مؤسسه معارف اسلامی. ۱۴۱۹ق.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. بحار الأنوار. تهران: اسلامیة. چاپ سوم، ۱۴۰۴ق.
- مصطفوی، حسن. تفسیر روشن. تهران: مرکز نشر کتاب. ۱۳۸۰.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۳۵۴.
- _____ . القواعد الفقهیة. قم: مدرسه امام امیرالمؤمنین. ۱۳۷۰.
- _____ . انوار الفقاهه. قم: مدرسه امام امیرالمؤمنین. ۱۴۱۳ق.
- منتظری، حسینعلی. القواعد الفقهیة. قم: مدرسه امام امیرالمؤمنین (ع). چاپ سوم، ۱۴۱۱ق.
- _____ . دراسات فی المکاسب المحرمة. قم: تفکر. ۱۴۱۵ق.
- _____ . نظام الحکم فی الإسلام. قم: سرابی. چاپ دوم، ۱۴۱۷ق.
- منصور، جهانگیر، قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات ۱۳۹۹. تهران: دوران. ۱۳۹۹.
- موسوی اردبیلی، عبدالکریم. فقه القضاء. قم: بی‌تا، چاپ دوم، ۱۴۲۳ق.
- _____ . مفتاح المطالب فی شرح کتاب المکاسب. آذربایجان: نشر علی بن محمد، ۱۴۱۳ق.
- میرمحمدصادقی، حسین. حقوق کیفری اختصاصی ۳: جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی. تهران: میزان، چاپ سی و چهارم، ۱۳۹۵.
- _____ . «ارتشا از نظر قوانین ایران با تأکید بر مبارزه با رشوه‌خواری کارکنان بخش خصوصی»، نشریه اقتصاد. شماره ۴۰۳، ۱۳۸۰-۸. ۱۳-۸.
- نجفی ابرنآبادی، علی حسین. تقریرات درس بزه‌کاری اقتصادی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۴۸.
- نراقی، احمدبن محمد مهدی. مستند الشیعة. قم: آل‌البت (ع)، ۱۴۱۵ق.
- نوری، حسین بن محمدتقی. مستدرک الوسائل. بیروت: آل‌البت (ع). ۱۴۰۸ق.
- نوفلاح، قدرت‌الله. ارتشا در بخش خصوصی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی. به راهنمایی دکتر محمدهادی صادقی، شیراز: دانشکده حقوق و علوم سیاسی. ۱۳۹۲.
- هرودت، هالیکارناگوس. تاریخ هرودت. مترجم: وحید مازندرانی. تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی. ۱۳۶۲.